



کارگران به تحمل فشار به بهانه جنگ تن نمیدهند.

پیشمرگان کومه‌له در داخل شهر بانه :
ضربه سنگینی بر نیروهای دشمن وارد آوردند و تعدادی
در صفحه ۳۰۲ ————— اسلحه به غنیمت گرفتند.

مطلبی را که در زیر میخوانید بخشی از گزارشی است که یکی از رفقا از کارخانه‌های در تهران نوشته و برای خبرنگار ما فرستاده است. این گزارش نشان میدهد که وجود همه تبلیغات هوا فربانه رژیم کارگران روز بروز ارتجافی و غیره ما را نباید که در هر شرایطی بدنهال هدفهای انقلابی خود باشیم. وظیفه آنها که خونشان شب و روز پیوسته همسین است کارگران مکیده میشود این نیست در جنگی که اینان بخاطر منافع خود بر پا کرده اند گوشت مردم توپ گردند بلکه باید هر قدر که بر میدارند آنها را بیدار نگاه داشته‌اند که زمین بردن هرگونه مستقیم استتار میباید نزد بکتر سازد.

"... در اینجا کارگران زیاده‌ها هم ارتباط دارند و بغیر از موارد استراتژی بعلت قطع آب و برق و این روزها با صدای آژیر خطر دست از کار میکشند و با هم صحبت میکنند. یک بلندگودر حیاط نصب شده که از طریق آن صدای را در بیرون گوش کارگران میرسانند و با اخبار گوش میدهند و درباره مسائل روزا ظاهر نظر میکنند و این روزها بسیاری از صحبت‌ها در باره جنگ است. در اواخر تحت تاثیر تبلیغات رژیم احساساتی در باره فتح عراق و صدور انقلاب اسلامی با نجا بر آنها غلبه

داشت ولی اکنون با تشدید بحرانی که گریه‌ها نگیر آنها شده است، صحبت درباره جنگ رنگ دیگری گرفته است. آنها با صفهای طولانی بسوی تهیه ما محتاج خود مهاجرانی مواجه هستند. قبلا هر کارگر هر قدر از برنج که میخواست از شرکت تعاونی کارخانه میخرید ولی اینبار به هر نفر ۱ کیلو بیشتر نمیدادند، روغن هم مانند از کافیه نبود و خوابی که از شرکت تعاونی دریافت میکنند کفاف احتیاجات خانواده آنها را نمیدهد. بیشتر از ده روز بود که بکس از کارخانه مواد اولیه ندارند و دستگها خوابیده بود و اخیرا مواد اولیه تهیه شده و این مواد کفاف ۳ ماه دیگر را میدهد اما بعد از ۳ ماه دیگر چه خواهد شد و معلوم نیست و ممکن است کارخانه بخوابد این چیزی است که کارگران میخواهند. یکی از کارگران با سابقه که وضع زندگی نسبتا ۳ زد بکران بهتر است میگفت: "اگر ده روز کارخانه بخوابد وضع همه ما مثل همد بگس خواهد شد."

تبلیغات رژیم در مورد جنگ نتوانسته است این کارگران را از فشاری روی تامین خواستههای اقتصادیشان بازدارد. در نتیجه آنها در همین شرایط هم از مهارت خود دست نکشیدند. مثلاً در حین جنگ بعلت در برکرد پرداخت حقوق و سود ویژه کارگران بعد از ۳ روز بقیه در صفحه ۲

تعقیب و دستگیری مزدوران بعث (رزگاری) توسط پیشمرگان کومه‌له همچنان ادامه دارد.

● طی روزهای اخیر، پیشمرگان کومه‌له (بهال شهید رشوف) در تعقیب مزدوران بعث (رزگاری) وارد روستای "جه‌زنی تاوا" در منطقه "خاومیر تاوا" شدند. و در تصرف مزدوران را دستگیر و خلع سلاح نمودند. پیشمرگان در مورد ماهیت جاشهای رزگاری برای مردم روستا سخن گفتند که مورد استقبال آنان قرار گرفت. مطالبات تعقیب و دستگیری مزدوران رزگاری در این منطقه با پشتیبانی زحمتکشان روستاها رو بر گردید و ما است پیشمرگان کومه‌له با همکاری آنرا دنبال میکنند.

● یورش ارتش و پاسداران به روستاهای اطراف مه‌سبادیا مقاومت کم نظیر مردم و پیشمرگان عقب رانده شد.

● ۵۹/۹/۱۳ - نیروهای سرکوبگر ارتش و پاسدار مستقر در بقیه در صفحه ۲

گزارش یک رفیق کارگر از جریان اخراج یک معلم انقلابی از کارخانه (تهران)

... چندی پیش از طبرف نهضت سواد آموزی معلمی برای تدريس کارگران به کارخانه ما فرستادند. در سهپائی که این معلم بکارگران میداد جنبه طبقاتی داشت و تضاد کار و سرمایه را برای کارگران بهمان میکرد. برای تدريس قبل از آنها یک ساعت وقت گذاشته شده است. ۲ نفر از کارگران در این کلاس درس میخوانند. معلم در شب اول و دوم خود را با محاسرات زير شروع کرد:

درس ۱: کار و کارگر دارد و کار و در کارخانه مساوی میسازد و اساس کار ندارد. او در کارخانه کار فرما است و کار و با اساسان دوست نیست.

درس ۲: ما کار میکنیم. کار ما سخت است. ما از کارمان رنج می بریم. کار فرما ما را نمیکنند. کار فرما از کار ما سود فراوان می برد. او خود ما را می مکد. او دشمن ما است. ما او را نابود میکنیم. از همان روزهای اول د جاسوس مضو انجمن اسلامی کارخانه که این در سهپا روی تخته سپاه دیده شده بدنبال پیدا کردن مد رکی بودند که معلم ما را از کارخانه اخراج کنند و ما را خرمه سپاه پاسداران نزد یک بمحل کارخانه گزارش دادند و یک روز بعد در حالیکه درس دوم معلم تمام شد میبود و محل کارخانه را ترک کرد میبود و یک نفر پاسدار وارد غذا خوری شد و خطاب بکارگران گفت:

"معلمی که از طرف نهضت سواد آموزی معرفی شده میبود

کمونیست است و من متأسفم که تا حالا کارگران متوجه نشده اند. از این به بعد کارگران باید همیشه باشند و کسانی که تازه وارد اینجا میشوند بشناسند. این سهپا در سهپائیکه معلم میداده کمونیستی است. هیچکس تخته سپاه را پاک نکند این مد رکاست یکی از کارگرانی که خود درس میخوان گفت:

"کجای این حرفها بد است و ما مگر کار نمی کنیم و مگر کار فرما حق ما را نمی خورد و خون ما را نمی مکد... جاسوس عصوانجمن اسلامی گفت: "ما به برادران پاسدار گفتیم که هنگام خروج از کارخانه دستگیر نکنند و بیاورند. منظور معلم از کار فرما دولت است چون ما کار فرما را هم و کارخانه ملی شده است برای اینست که میگوئیم او کمونیست است."

کارگران حرفهای او را قبول نداشتند و خصوصاً آنها که درس می خواندند. پاسدار گفت: "اگر او را اینجا بیاورند من با او صحبت میکنم و اگر او حرف حق زد همینجا کمونیست خواهیم شد و لا اوزا به سپاه میبریم و اینقدر ریکتکشی زرم که نفسش بالا نیاید." اما پاسدار تنها بقسمت آخر صحبتش عمل کرد. روز بعد شنیدیم که معلم را دستگیر کرده و میزند ان برد ما ند. امروز با یکی از کارگران صحبت می کردیم و مسئله معلم پیش آمده کارگر میگفت: "... راستی چرا این معلم را گرفتند و واقعا حرفهایش درست بود. مثلا من کار میکنم و کار من سخت است و کار فرما ما را نمیکنند و زندگی را حتی دارد."

بقیه کارگران به...

از خارج شدن محصولات تولیدی جلوگیری کردند. یک بعد از کارگران جوان که آگاهی بیشتری دارند و از گرفتن مالیهات بوسیله دولت یگران بودند. این

نگرانی خود را بصورتهای مختلف بروز میدادند. مثلا میگفتند: "خمینی به ملت عراق میگوید پول آب و برق ندهید اما چرا از خود ما میگیرند؟"

بقیه یورش ارتش و...

مهاجرات که قصد یورش به روستاها "لاچین" و "سیدآباد" را داشتند و بهیاد بمطرف بلند بهای مشرف باین روستاها حرکت کردند. مردم زحمتکش روستاهای مزبور که تجربه های تلخی از وحشیگری و جنایات این مزدوران در (ایند رفاش و صوفیان و...) به یاد داشتند به حرکت در آمد و خود را برای مقاومت آماده میکنند. بهیمرگان کوهلود و مکررات نیز خود را بمحل رسانده و هم مقابلهما دشمن برداختند. در تمام طول درگیری همه مردم بهیروجوان با روحیه ای عالی به هر طریقی که می توانستند به بهیمرگان کمک می رسانند. نیروهای رژیم روستاهای اطراف محل درگیری را خیارمباران کردند. در ساعت ۱۲ ظهر نیز در فرزند هلی کوه تر روستاهای لاچین و سیدآباد را با راکت و مسلسل مورد حمله قرار دادند که از تلفات احتمالی مردم اطلاع دقیقی در دست نیست.

درگیری از ساعت ۱ صبح تا ۲ بعد از ظهر ادامه داشت و نیروهای مزدور ارتش پاسدار بر اثر مقاومت بهیمرگان و مردم ناچار بمقترب نشینی شدند. از میزان دقیق تلفات دشمن اطلاعی در دست نیست.

بانه

● ۵۹/۹/۸ - ساعت ۶ بعد از ظهر و دسته از بهیمرگان کوهلوسه (پهل شهید خاوند) وارد شهر شد و در مرحله ما نه کون بکین نیروها دشمن نشستند. چند لحظه بعد یک اتومبیل حامل ۲ نفر از پاسدار...

ران سرکوهگر و یکمین پیشمرگان افتاد و مورد حمله سریع و فکیرانه آنان قرار گرفتند. در نتیجه ۸ نفر از آنها کشته و ۴ نفر زخمی شدند و توبهیل آنها نیز از گون می گردید.

در این عملیات موفقیت آمیز تعدادی اسلحه ۳ - ۳ بدست پیشمرگان افتاد. همچنین یکی از پیشمرگان زخم سطحی برداشت. این دو مین باری است که در چند روز اخیر پیشمرگان کومله زوری نقشه و طرحی دقیق و در داخل شهرها به نیروهای دشمن ضربه میزنند. این ضریح با روحیه مردم رابطه چشمگیری بالا برد و موجب دلگرمی آنان شده است.

دستگیری همزمان فروشندگان مواد مخدر در یهگان

● طی روزهای اخیر پیشمرگان کومله در یک برنامه هماهنگ ۱۵ تن از فروشندگان مواد مخدر را در شهر یهگان دستگیر کردند. از این افراد حدود ۵/۱ کیلوهرئین و مقداری سلاح کمربندست آمد. دستگیری این مواد فساد و جنایت با همکاری مردم مبارز یهگان صورت گرفت و استقبال عمومی رؤسود گردید. ما توزیع مواد مخدر را جنایتی همچون جنایت مأموران جلا در رژیم تلقی میکنیم. زیرا اگر آنها با گلوله و بمب بجان انسانها می افتند، این فاسدان بیسیله عروین روان و جان انسانها را بازچه منافع مشتاقا چاقوسی مواد مخدر میکنند. ما از جوانان انقلابی و مردم مبارز یهگان تقاضای کنیم که با همکاری صمیمانه خود ما را در دستگیری این ننگهای اجتماع یاری دهند. با یاری جوانان انقلابی و مبارز سعی خواهیم کرد

از فعالیت جنایتکارانه ۳ نفر از جلوهگری و ما ملین آنرا بمجازات برسانیم.

پیشمرگان کومله در میوان

پاسداران و جاشهای را که قصد حمله به روستای گاگل داشتند عقب راندند.

● ۵۹/۹/۱۱ - ساعت ۵/۵ - صبح پاسداران و جاشها بقصد ورود به روستای "گاگل" به آنجا حمله کردند که از چند طرف با آتش سلاح های پیشمرگان کومله (پهل شهید رشوف و شهید علی) روبرو شدند و در طول درگیری پیشمرگان از زوجه عالی برخوردار بود و سرودهای انقلابی میخواندند. نیروهای دشمن که با مقاومت دلیرانه آنها روبرو شدند و وحشت زد میبند بگر ناسزا میگفتند. پس از آنکه جساد کشته و زخمی ها توسط چند آمولانس جمع آوری گردید و نیروهای سرکوهگر مجبور به عقب نشینی شدند.

در جریان درگیری ها الهی روستاهای اطراف با روحیه های انقلابی پیشمرگان را یاری میدادند.

● ۵۹/۹/۱۰ - شب هنگام جاشها پاسداران به روستای "چاوک" واقع در نزدیکی شهر حمله کردند و ۶ نفر از اهالی بید فاع را دستگیر و خود به پادگان بردند.

● ۵۹/۹/۵ - ارتش جمهوری اسلامی و شهر پنجوبین (در کردستان عراق) را مدت یکساعت با تپهای دوزخ و خمپاره ۱۲۰ مؤثر حمله قرارداد. از طرف دیگر ارتش بعث عراق ستون مستقر در "کانی میران" (میروان) را با خمسه خمسه گلوله باران کرد که چند بسن گوله نیز به روستای "بهره رش" اصابت نمود و در نتیجه ۳ نفر از اهالی روستای نامبرد زخمی و چندین خانها آسیب دیدند.

● ۵۹/۹/۳ - پیشمرگان کومله (پهل شهید علی) با سلاحهای سنگین پادگان میروان و سنگرهای پشت آن را واقع در تنه های (گرد و رمش و شهید حسن) - مورد حمله قرار دادند. در جریان این حمله چند گلوله سنگرهای دشمن اصابت کرد و خسارات و تلفاتی به آنها وارد آورد. بعد از این عملیات پیشمرگان سالم به مطهای خود بازگشتند.

پایگاه ارتش و پاسداران در حسن آباد "سننج" زیر حملات پیشمرگان کومله

● ۵۹/۹/۱۱ - در ساعت ۵ بعد از ظهر، یک دسته پیشمرگان کومله (پهل شهید جلال) پایگاه ارتش پاسداران مستقر در حسن آباد (کامل) را با سلاحهای سبک و سنگین مورد حمله قرار دادند و خسارات و تلفاتی به آنان وارد آورد که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست.

لازم به توضیح است که پایگاه مذکور در مسیر رفت و آمد روستاهای این منطقه قرار گرفته و افراد مستقر در آنجا از چند ماه پیش از خروج هر نوع کالا و مایحتاج روستائیان از شهر جلوهگیری نمود و مرتباً باذیت و آزار مسافران و مردم زحمتکش پرداخته اند.

پایگاه ارتش زیر آتش سلاحهای پیشمرگان کومله استولیه

● ۵۹/۹/۶ - بدنهال بمباران های شدید منطقه توسط فانتومها و هلی کوپترهای جمهوری اسلامی که

در آن ۴ نفر کشته شدند و تعداد زیادی خانه روستائیان ویران شد و یک ده (بی گله) بکلی ویران شده شب گذشته پیشمرگان کومله سه تلافی این جنایات پایگاه ارتش هاسد اران مستقر در "زینوی قلاتان" را کسه در کنار پایگاه پهبیرنا صرواقع است بشدت با انواع سلاحهای سنگین کوبیدند. دشمن وحشتزدده بود و هدف اطراف خود را میکوبید و پیشمرگان در صحت ۱/۵ ساعت (۸/۵ تا ۱۰ شب) توانستند ضربات کاری به دشمن وارد کنند که از میزان دقیق آن اطلاعی بدست نیاموردیم. پس از این حمله به پیشمرگان همگی به سلامت به روستاهای منطقه برگشتند و مورد استقبال بسیار گرم مردم قرار گرفتند.

● در جریان حمله ارتش هاسد اران ضد خلقی به منطقه ۳ شنبه و کشتار در روستاهای مردم بخوبی آموخته اند که باید مقاومت کنند. در درگیری با نیروهای ارتش هاسد اران در "حسن نوران" و "چشمه گول" مردم روستا کتا منطقه همراه پیشمرگان و در سنگرهای اول مقاومت جنگیدند و نتوانستند ارتش هاسد ارانی را که برای قتل مام آنها آمد بهودند بمقترب برانند. در این میان مقدار زیادی مهمات از جمله گلوله خمپاره بدست مردم افتاد بهود که آنها را تحویل پیشمرگان در موکرات و کومله دادند. پیشمرگان حزب در موکرات یکی از کسانی را که مهمات بدست آمده اش را تحویل پیشمرگان کومله داد بهود که دستگیر نمود و او را تهدید کرد که اگر مهمات را از کومله نگیرد و حزب ندهد او را آزاد نمیکند.

بدین ترتیب حزب در موکرات عملاً مرد مرا از شرکت فعال در امر دفاع از خود و مقاومت در برابر سرکوبگروان دلسرد میکند. زحمتکشان روستاهای اشنه هم با روحیه مالی بهات خود را سنگر بندی کرد و تصمیم قطعی خود را - منی بر مقاومت در برابر سرکوبگروان

گرفته اند. سازمان ما با همه ۳ مکانات خود در این مقاومت پر شور تودهای شرکت دارد اما این گونه اعمال از جانب حزب در موکرات با این مقاومت عادلانه لطمه میزند.

● ۵۹/۹/۸ - در ادامه سیاست سرکوب و کشتار رهیات حاکمه ضد خلقی ایران و افراد مسلح قبادیه موقت که در منطقه اشنه و پهبیران شهر در کشتار مردم بیدفاع شرکت دارند در این روز وارد روستای "آلبای شینخان" شدند. مردان آبادی قبلاً از روستا خارج شده بودند و آنها پس از ناسزاگویی وادیت و آزار زنیان و کودکان در خارج از روستا با سه نفر جوان نیرو بودند و با وحشیگری هر سه تن را به شهادت رساندند. این شهید اعیان رتند از ۶ کیم شوان و طلی هماسی و حسین خامه. جنایتکاران قبادیه موقت بدین ترتیب یکبار دیگر دشمنی خود را با زحمتکشان کرد با هات رساندند.

فانتومهای رژیم جمهوری اسلامی روستاهای سردشت را با ناپالم به آتش کشیدند.

● بد نبال بهاران وحشیانه فانتومهای ارتش جمهوری اسلامی در تاریخ ۵۹/۹/۶ در روستاهای "میرثاوی"، "خدرثاوی" و "بیلوکه" وارد بگرد. تاریخ ۵۹/۹/۸ روستای "خدرثاوی"، "چکو"، "شیوه میر" "بیلوکه" و "سپهان" سهار در سات مختلف روز توسط ۲ فروشنده جنگنده اف ۴ رژیم جمهوری اسلامی بهاران شدند. در "شیوه میر" ۱۳ نفر زخمی شدند که حال ۳ نفر از آنها بسیار وخیم است و نیز ۳ خانه در این ده به ویران

شد هاست و آسیب زیادی به ساختمان مدرسه و مسجد وارد آمده است. در "بیلوکه" یک خانه ویران شد و به اکثر خانهها آسیب رسید هاست. در این ده ۲ بمب انداخته شد که یکی از آنها منفجر نشده است. پیشمرگان کومله برای خنثی کردن آن سازمان "بیلوکه" شدند. در "خدرثاوی" یک پیشمرگ حزب در موکرات زخمی شده است. به ده "سپهان" ۲ بمب اصابت نمود ولی تلفات جانی نداشت.

وضع مردم "میرثاوی" و اطراف بدین قرار است که هر روز صبح برای مقاومت در مقابل بهاران از ساعت ۶ صبح زنان و مردان و کودکان در سرمای پائیزی روستاها را بطرف کوهها و دشتهای پناگاهها ترک میکنند. کینه و نفرت زحمتکشان روستائیان از رژیم جمهوری اسلامی هر روز هر ساعت در حین بهارانها عمیقتر میشود. آنها با خشم و کینه سرگرم بگروان را نفرین میکنند.

● ۵۹/۹/۸ - ضمن بهاران روستاهای اطراف "میرثاوی" - سردشت تعدادی از روستاهای منطقه "سوسینی" و "گهورک سرد" شد نیز مورد هجوم جنگندهها رژیم قرار گرفتند از جمله روستاهای "واوان"، "ولویو"، "شیخسه" و "همران" که در جریان این بهارانها در "واوان" یک خانه در اثر انفجار بمب ناپالم بکلی ویران گردید. روستای "واوان" به علت رعایت اصول حفاظتی از جان مردم و رفتن به پناگاهها خوشبختانه تلفات جانی نداشت.

● ۵۹/۹/۹ - بد نبال حملات وحشیانه بی دربی روز قبل فانتومها در روستاهای این منطقه ده گشتیری از اهالی شهر سردشت در یکی از ساجد شهر اجتماع کردند و نسبت به این اعمال جنایتکارانه رژیم در حق روستائیان زحمتکشان منطقه اعتراض نمودند. بد نبال آن پاسد اران و

جاشها که از هرگونه اعتراض مردم بوحشت می افتند، به همراه شستی مرتجع و مزد روزیم در خیا بانهای سرد شت بر طبقه مردم ماریزی که در مسجد اجتماع کرد بودند شروع به شمار دادن کردند.

۵۹/۹/۹ - شبانگاه یکده
 اینبشمرگان کوهله (پل شهید ابراهیم) بداخل شهر سرد شت رفته و بعد از کمین گذاشتن در چند محل در ساعت ۵/۱۰ شب یکی از مقرهای پاسد اران و جاشها را در وسط شهر با آرمه بی جسی و تارنیک انداز و اسلحه سبک مورد حمله بمق آسای خود قرار دادند. بعدت نیم ساعت آنجا را زبر آتش گرفتند. در این هنگام دشمن سراسیمه شده بی هدف با اطراف تیراندازی میکرد، آنها که در دها نقطه داخل شهر اقدام با استقرار پایگاه نمود ما ند بهیچوجه انتظار نداشتند که پیشمرگان اینچنین به آنها حمله کنند. بعد از این عملیات پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

روز بعد یک هلی کوپتر برای حمل اجساد کشته و زخمیها در یادگان سرد شت فرود آمد و طبق اطلاع رسیده در این عملیات ۲ تن از پاسداران کشته و بیش از ۱ نفر زخمی شدند. این عملیات پیشمرگان باعث تقویت روحیه مردم مسانز سرد شت شد و مردم از این عمل انقلابی پیشمرگان کوهله استقبال نمودند.

۵۹/۹/۱۱ - در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر نیروهای سرکوبگر رژیم آنها دگان سرد شت و پایگاه ملاحظه روستای "سوشیو" را مورد توپ باران قرار دادند که ۲ گلوله توپ با اطراف ده یکی دیگر از گلولهها بداخل روستا اصابت نمود و موجب زخمی شدن ۲ نفر گردید. در این هنگام یک گلوله توپ دیگر در فاصله حد و ۲۰ متری عد های از زنان و کودکان ده بزمین اصابت نمود که خوشبختانه

کسی آسیبی وارد نیاورد. حال یکی از مجروحین وخیم است.

سرکوبگران همچنان به اذیت و آزار مردم پیروانم بر ادامه میدهند

۵۹/۹/۹ - مردم این شهر پس از ۵ روز آوارگی در روستاهای اطراف و تحمل سختی و فشار زیادی که در نتیجه پیوزش نیروهای رژیم جمهوری اسلامی به آنان وارد آمده بود، بهتد ریج به خانههای خود باز میگردد. با اینحال عهال جمهوری اسلامی برای آنها محدودیت بوجود آورده، کسانی را که به شهر بازگشته اند مورد بازجویی و اذیت و آزار قرار داده اند. ارتش پاسداران مستقر در شهر مردم گفته اند که هر خانواده ای باید یک اسلحه تحویل دهد و در رابطها این مسئله ۱۵ نفر از اهالی شهر را دستگیر کرده اند که چند نفر از آنها هنوز در بازداشت بسر میبرند. بسیاری از مردم می که به شهر بازگشته اند، با خانههای غارت شده و در پنجره شکسته رو برودند. این اعمال بوسیله ارتش پاسداران به بهانه باز دید منازل صورت گرفته است.

سرود ایند رقاش

روستا را خند ما زلب پرزد
 روستا را چهره د رهرفت
 روستا را گهنتی ها د رگومانند
 وقتی که مزد و ران ارتجاع
 پاسداران سرما به
 بر بارگاه خلق خیمه برافراشتند

 ایند رقاش سر به سینمه نهاد
 وقتی که ریش سفید انش
 زهر تیغه سا طور جان دادند
 و کودگانش

معصومانه در خاک غلتیدند
 " ایند رقاش" سر بر آسمان سایید
 وقتی که پیشمرگان جان بر کفش
 اجساد سی و شش تن را گرد آوردند
 و فرزندان شهیدش با وی و آگفتند

" ایند رقاش" گریه نکرد
 " ایند رقاش" اشک نریخت
 " ایند رقاش" خند مهربان فریاد زد:
 بر مزار شهید ایم

هرچی سرخ بیند بد و گویند
 رفیقان چون سرخ بهایند
 "آی قارنا... آی قلاتان...
 گانی مام سید... آی د برهاسین
 ... مای لای... آی اریتره...
 آی سرزمین سوخته کردستان عراق
 ... آی زحمتکشایان جهان...
 بر مزار شهید ایم
 دست در دست و
 سرود سرخ "انترناسیونال" مهربان
 "جهی" بر قسم
 این طبل مرگ ارتجاع جهانی است
 که ایران و جهان را در نوردیده است!

" ایند رقاش" گریه نکرد
 " ایند رقاش" اشک نریخت
 " ایند رقاش" کرد آواز:
 آی دشمن - آی دشمن
 که چنین زار و زبون
 که بر از وحشت مرگی
 چهره سرخ من و اینده و حشیر گیت
 به گواه همه تاریخ جهان
 خبر از موسم مرگیت که می بلعدت
 این همه وحشت مرگ آن محقری
 که زتوس مرگ
 دست بر هر حلقه ای می ساید

آی دشمن
 دست های مرگ
 بر خاک وطن کوفتنت
 باد مبارک!

"کاکه"
 توضیح:
 شعری که در اینجا بخشی از آنرا چاپ کرده ایم سرود یکی از رفقای هوا د از کوهله میباشد، که برای خبرنا فرستاده است.

به یاد شهید کاک صالح بوریهری.



قبلاً به آگاهیتان رساندیم که در آخرین نبرد پیشمرگان کومهله برای بهیرون رانیدن مزدوران رژیم از هورامان، رفیق زحمتکش و آگاه کاک صالح بوریهری همراه با کاک صالح عضو کومهله و فرمانده نظامی نیروهای پیشمرگ در سنندج به شهادت رسیدند. در شامه قبل زندگینامه کاک صالح را خواندید و در اینجا مختصری از زندگی انقلابی کاک صالح را برایتان بازگو می‌کنیم.

کاک صالح نادر اهل روستای "بوریهر" واقع در منطقه ژاوه روه یکی از پیشمرگان زحمتکش و آگاه کومهله بود که از سالها پیش در ارتباط با رفیق شهید کاک حمید فرسچی عضو کومهله و آموزگار دلسوز "بوریهر" درس مبارزه و فعالیت را آموخته بود. او در شهرهای مختلف ایران بکارگری می‌پرداخت و از بنیرونیج سختی زندگی کارگران را با تمام وجود حس میکرد. با این خصوصیات وقتی در رابطه با رفقای کومهله قرار گرفت و تا اندازه ای مری وظایف تاریخی طبقه کارگر آگاه شد، به یک انقلابی پر شور و فداکار تبدیل گردید. کاک صالح در هر مورد به تودهای زحمتکش یاد و وصیعی بود و با حوصله و در دل آنها گوش میداد و به نظریاتشان احترام میگذاشت و با تمام وجود به آنها خدمت میکرد و بهترین جهت هر کس که او را از نزدیک میشناخت دستش میداشت.

کاک صالح با وجود داشتن زن و چند فرزند خردسال و زندگی خانوادگی خود را ترک کرد و یک سال پیش وارد صف پیشمرگان کومهله شد. او همیشه میگفت: "من درس گذشتن از زندگی شخصی و خانوادگی و خدمت به آرمان زحمتکشان را از معلم خود شهید حمید یاد گرفته‌ام و تمام هستیم باین مبارزه عادلانه متعلق دارد".

در جریان حمله نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به شهر سنندج و کشتار مردم بی دفاع، همراه دیگر پیشمرگان کومهله در لیرانه در مقابل آنها ایستاد و خاطرات کم نظیری از مقاومت و قهرمانی را برای رفقای پیش بیا در گذاشت.

کاک صالح با علاقه و ایمان در عملیات خلع سلاح مزدوران رژیم شرکت میکرد و میدانست که مبارزه با رژیم سرمایه داران و مترجمین جمهوری اسلامی را بدون مبارزه طبقه ای در کردستان نمیتوان به پیش برد. سران مزدور و سبزه زاری از دشمنان طبقه ای زحمتکشان در منطقه هورامان مریوان میباشند و بلا و میراننده زیاده از فتوحات الهی فراری را وارد دارودسته خود کرده اند. کاک صالح میدانست بر نامه آنها چیزی جز به اسارت کشیدن زحمتکشان نمی تواند باشد. و سرانجام همراه رفیق بر زمین و انقلابی خود کاک علی گلچینی (صالح رهبر) پس از ساعتها مقاومت و در هم شکستن و فراری دادن این مزدوران از روستای دهل به شهادت رسیدند.

مراسم بزرگداشت

شهید کاک صالح بوریهری

در بوریهر

در ساعت ۲ بعد از ظهر ۹/۹/۹۰ -
 ۵۹ مراسمی از طرف عده کثیری از اهالی روستای "بوریهر" و عده ای به نمایندگی از طرف روستاهای "اوبهنگ" و "بیساران" و "هرسن" و با شرکت پیشمرگان کومهله برگزار شد. شهید کاک صالح برگزار گردید. ابتدا اسرود ای شهیدان توسط

پیشمرگان و اهالی خوانده شد و زندگینامه و مبارزات کاک صالح توسط یکی از پیشمرگان و چند پیام ز زحمتکشان روستاهای اطراف قرائت گردید. مراسم با خواندن سرود "کاک شوان" خاتمه یافت. پس از آن جمعیت با تظاهراتی در آن شعار مزار شهید کاک صالح را ترک کردند. قسمتی از شعارها چنین بودند:

کاک صالح خه لکی بوریهر
 بهیتر ره رگی تیکوشه
 روله ی کوردی کول نه ده
 کو زرای له مهیدانی شه

سویندم به بهیرووات
 د وژمن نه که بین ده به ده
 کاک صلاحی قاره مان
 ریگات در ریزه ی همه
 بهیاری ها و بیانت نه ستاندنی توله به
 چهک کردنی روزگاری
 کاری شور شگیرانه
 (کاک صالح بوریهر، پیشمرگ
 مبارز و تسلیم ناپذیر در میدان نبرد
 کشته شد، به آرمانش قسم و که
 دشمنانش را در برده خواهیم کرد)
 و (کاک صالح قهرمان و راهبست
 ادامه دارد) (خلع سلاح رژیم
 وظیفه انقلابیون است)



مبارزه با وطنه های صدد السجونی

رژیم را هر چه بیشتر گسترش دهیم

بنسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

هم میهنان مبارز!

شانزد هم آذر، روز دانشجوها در مبارزات پرشور توده های دانشجودردل سالهای سیاهه دیکتاتوری و خفقان محمد رضاشاهی است. در شانزد هم آذر سال ۱۳۳۲ محوطه دانشکده فنی دانشگاه تهران با خون — دانشجوی مبارز رنگین گردید. دانشگاه که همواره یکی از سنگرهای فعال مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی بود، ماسست و طبعه سفرتیکسون — که برای تهیه مقدمات نحوه جدید فارت نفت بوسیله کنسرسیوم امپریالیستی با ایران آمد نبود — با اعتراض برخاست. سه دانشجوی مبارز دانشگاه تهران با سامی بزرگ نیسا و قند چی و رضوی جان خود را در این راه در برابر پرورش وحشیانه رتشر شاهنشاهی از دست دادند. اما این سرکوب وحشیانه نتوانست وقفای در مبارزات پر جوش و خروش دانشجوها ن طبعه رژیم شاه مزد و راجا د نکرد بلکه آتش آن هر سال از سال پیش برافروخته تر شد. و در سالهای بعد دانشجوها مبارز و انقلابی دیگری در این سنگر همیشه بیدار جان خود را فدا نمودند. و هر سال در دانشگاههای ایران در زرفشار و خفقان استبداد در روز شانزد آذر — اشکال مختلف مراسم بزرگداشت شهدای مبارزات دانشگاه برگزار میگردد و غالباً مقدماتی بود بر مبارزات وسیع و پرمایه دانشجویی که امواج آن بخارج از محیط دانشگاه نیز کشید میشود.

در شانزد آذر سال ۵۹ جنبش دانشجوها در این با شرایط و وضع جدیدی روپرواست:

از یک طرف رژیم شاه مزد و راضحنه خارج گردید و زحمتکشان و خلقهای ایران کولمباری از تجربه مبارزات و وسایل اخیر و قیام ۲۲ بهمن را بر دوش دارند و از طرف دیگر رژیم جنایتکار و ضد خلق به نمایندگی از طرف سرمایه داران و مرتجعین جای رژیم پهلوی را گرفته است که از همان فردای قیام لحظه ای از سرکوب مبارزات کارگران و دانشجویان و خلقهای زنیا بیستاد هاست. کردستان بعد از یک جنگ کامل بین توده های آنها خاسته و ضد انقلاب حاکم تبدیل شده و طی دیوروش سراسری از طرف رژیم هزاران نفر از مردم بید فاع بخاک و خون کشید شد ماند. اما مقاربت توده های هشیل و روزنده تاکنون رژیم نه تنها کاری از پیش نبرد بلکه پایه های حکومتش نیز لرزان گردیده است.

حطه وحشیانه دانشگاهها تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" با دور حملات اوهاشان رژیم شاه مزد و رطوسی سالهای اخیر بد دانشگاه نبود. اعدام و کشتار دانشجوها مبارز و انقلابی و تعطیل دانشگاهها در سراسر ایران از نتایج این پرورش همه جانبه بود. همچنین اسال شاهد خیانت سازمان چریکهای (اکثریت) به جنبش دانشجویی نیز بودیم که در هنگام پرورش ارتجاع به دانشگاه رهبران دست در دست سران رژیم فرمان تسلیم و عقب نشینی را صادر کردند. صف متحد دانشجوها را رژیم پاشانند و سپس آنرا ترک کردند.

رژیم در آغا زسال ۵۹ همزمان با حطه مجد دیگر در کردستان حکم تعطیل کامل دانشگاهها را صادر نمود. حطه ارتجاع تنها محدود بد دانشگاه نبود، بلکه در بسیاری نقاط مدارس را نیز دربرگرفت. تحت عنوان "پاکسازی" تعداد زیادی از مدارس را تعطیل کردند. در کردستان آموزش پرورش را منحل و هزاران معلم مبارز را اخراج نمودند و در مدارس گشود شد به جای معلمین دلسوز و مبارزه پاسداران جاهل و ضد انقلابی را بکارگماشته اند تا بلکه از سیل خروشان مبارزات دانش آموزان و معلمین در امان باشند. دستگیری و کشتار معلمین و دانش آموزان

همچنان ادامه دارد. در سرتیترها در یک مورد در روزهای اخیر در آنها آموزش ختر و سرپرستگری نمودند و
شهریوگان که تحت اشغال حکومت سرکوبگر نیست و مدارس کشور گشود شد و اعلام میدارد که آن مدارس اعتبار
قانونی ندارند!

دانشجویان مبارز و انقلابی!

اکنون که رژیم جمهوری اسلامی با بستن دانشگاهها و مدارس عالی از تجمع شما در مکانهای آموزشی جلوگیری
میکند و با تمام قوا سعی در رواج جهل و خرافات و جلوگیری از گسترش علم و دانش را دارد، وظیفه شماست که
طرح دشمن را با حرکتی وسیع و انقلابی بر طبله اهرگردانید. دانشگاهها را با کارخانهها و روستاها و مدارس و دیگر
صحنههای مبارزات طبقاتی و دمکراتیک تودما منتقل کنید. با کارگران و زحمتکشان در هم آمیزید. پیوسته
انقلابی مبارزات دانشجویان، دانش آموزان و روشنفکران با مبارزات کارگران و زحمتکشان سیل خروشان خواهد بود
که بر موجودیت این حکومت جبار و خونخوار و سراسر جهل و استبداد مهربان خواهد کوبید.

دانش آموزان و معلمان کردستان هم اکنون با اشکال مختلف در صفوف جنبش مقاومت مبارزه میکنند. در میدان
نهای نبرد مسلحانه و در مدارس و در میان تودهها همه نیروی خود این جنبش را یاری میدهند. هم اکنون
زندانیهای رژیم از این جوانان پر شور و انقلابی پر شد است. در همین چند روز اخیر و معلم انقلابی کاک و
سهامی و کاک علی قمری پیشمرگان کومله در نبرد با مزدوران رژیم بشهادت رسیدند. و دانش آموزان سقز
سنندج در زیر ساطور قصابی رژیم تظاهرات برپا نمودند.

دانشجویان مبارز و انقلابی باید با این گونه مبارزات پر شور و پر طراوت و وسعت در هر ساله مبارزات
قهرمانیهای دانشجویان ایران را پاس بدارند.

با امید به پیوند مبارزات دانشجویان و روشنفکران انقلابی با مبارزات کارگران و زحمتکشان، با دشمنان
۱۶ آذر یگرشهادای مبارزات دانشجویی ایران را گرامی بداریم.

مستحکم باد پیوند مبارزاتی دانشجویان و کارگران و زحمتکشان

به روزها و مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی دانشجویان

ایران

مرگ بر امپریالیسم جهانی و وابستگی و وابستگی

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)

۵۹/۹/۱۵